

## فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۳۳	نگاهی به تاریخ موسیقی شناسی قومی مکتب برلین و مکاتب آمریکایی
۷۷	مردم شناسی و موسیقی
۱۱۷	نظریه و روش تحقیق در موسیقی شناسی قومی
۱۵۹	موسیقی شناسی تاریخی و قوم‌نگاری
۲۰۵	زبان و موسیقی
۲۴۹	نظریه تکاملی و اشاعی در موسیقی شناسی قومی
۲۸۹	نظریه نگرش از درون و بیرون
۳۲۵	دیدگاه‌های سازشناسی
۳۶۳	آیکانوگرافی و موسیقی شناسی
۳۸۱	آیا موسیقی ایرانی از موسیقی یونان باستان گرفته شده است؟
۴۲۳	درآمدی بر فرهنگ شناسی موسیقی ایرانی
	شرق و غرب ایران دو فرهنگ متفاوت صورت‌بندی پردگانی و
۴۶۱	دستگاهی
۵۰۹	فهرست اعلام

## مقدمه

لا به لای فرهنگ گذشتگان این سرزمین فقط شکاف خرابه‌ها نیستند که با ایما و اشاره  
نی از رویدادهای دیرینه این سرزمین را بازگو می‌کنند. تاریخ فرهنگ ایران و  
چنین تاریخ موسیقی آن تاریخی است نانوشته. موسیقی ایرانی، در سطوح گوناگون، و  
برده‌های رازآمیز از تاریخ و فرهنگ گذشتگان ما سخن می‌گوید. نوشته‌هایی که بر  
آلات موسیقی ایرانی رقم خورده، به کثرت، نوشته‌هایی هستند نااندیشیده، تهی از  
یقوت و سرشار از بی‌هودگی. در روبه‌روی همه آن نوشته‌های گذشته، نغمه‌هایی از  
ن سازهای ایرانی برمی‌خیزد همه اسرار پیگیرانه از رویدادهای گذشته تاریخ ایران را به  
ن موسیقی در خود تکرار می‌کنند که به مراتب گویاتر، شیواتر و دلنشین‌تر از تمام  
نوشته‌های پریشان و رسالات نافرهیخته گذشتگان ما است. چه ما، ایرانیان، همانند همه  
انسان‌ها، رنج و اشتیاق باشیدن تاریخی خود را به گونه‌ای در موسیقی اندیشه‌وار معنا  
دهیم. شناخت موسیقی ایرانی، موجب پرتوافشانی پرتوی بر زوایای ناشناخته حوادث  
تاریخ و مدارج اندیشه و روح قومی و فرهنگ دیرینه ما می‌افشاند. ناکارآمدی روش‌های  
مادعاتی، تاکنون، دستیابی ما را به بخشی از گنجینه شناخت موسیقی گذشتگان ناکام  
نمداشته است. اصالت شیوه تاریخ‌گرایی، علوم انسانی، فرهنگ‌شناسی قومی و  
جامعه‌شناسی موسیقی ایرانی یا هر اسلوب شناخت‌شناسی که از جامعه و فرهنگ و زبان و  
موسیقی ما ریشه می‌گیرد، باید یاریگر شناخت هنرهای موسیقی دستگامی و قومی ایرانیان  
شد. پدیده‌شناسی موسیقی ما در گروه شناخت تاریخ فرهنگ و تمام رخدادهای

شناسی دانشی است که روابط آدمیان را در فرهنگ مطالعه می‌کند. فرهنگ‌ها  
ات مادی و معنوی آدمیان هستند. این تولیدات دربرگیرنده وسایل تولید  
ت و آداب، سنن، اسطوره، آیین‌های پرستشی، ادبیات، فولکلور، رقص و  
از همه زبان و موسیقی است. مطالعه و بررسی این پدیده‌های فرهنگی در  
اقوام تا سطوح گسترده‌تر از ملیت‌ها و فرهنگ‌های جهانی و کشف روابط  
ی آنان از کارهای مردم‌شناسان فرهنگی (cultural anthropology) است.  
قی و شناخت جایگاه ابزار موسیقایی در میان فرهنگ اقوام و ملیت‌ها از  
اه مردم‌شناسان فرهنگی جایگاه پراهمیتی دارد. در این فصل مقدمتاً به نگاه  
مردم‌شناسان به پدیده موسیقی در فرهنگ می‌پردازیم آن گاه نمونه‌های  
ی از مطالعات مردم‌شناسانه چند تن از اندیشه ورزان این رشته را که در نیمه  
قرن بیستم صورت گرفته، ارائه می‌دهیم. مطالعات مردم‌شناسانه موسیقی در  
ای آغازین قرن بیستم در اصل موجد اسلوب‌های مردم‌شناسانه در شناخت  
بقی شد که بسیاری از روش‌شناسی‌های آنان تا کنون به قوت و اعتبار خود  
هستند.

نسان برای تفهیم و تفاهم خود از زبان استفاده می‌کند. زبان مهم‌ترین وسیله  
طی مردمان است که مردم‌شناسی عمدتاً از این طریق و از طریق وسایل مادی

روابط اجتماعی انسان‌ها پدیده‌های ذهنی وجود دارند که لاینقطع در تاریخ به خود ادامه می‌دهند و به موازات تحولات زندگی انسان‌ها تغییر می‌کنند. از این پدیده‌های ذهنی، که به انحاء مختلف، پنهان و آشکارا، با تولید اجتماعی انسان‌ها سروکار دارد، موسیقی است. مطالعه موسیقی هم پدیده‌های ذهنی و هم تاریخی است که از زاویه تاریخ‌شناسانه می‌تواند شناخت ما را از های مادی و معنوی گذشته اعتلا دهد. نفس مطالعه موسیقی به تاریخ موسیقی ط می‌شود و سیر تحولات صرف موسیقی در گذر تاریخ را بررسی می‌کند. رابر این رشته در علوم انسانی، رشته دیگری است که موسیقی‌شناسی تاریخی به ما می‌شود. این رشته به ما می‌آموزد که چگونه از عناصر موسیقی که تکه‌هایی از آن در گذر تاریخ برجای مانده به سایر فعالیت‌ها و سرگذشت‌های مادی و روحی گذشتگان دست بیابیم. اشاره کردیم که موسیقی پدیده‌ای است اجتماعی که گذر تاریخ به حیات خود ادامه می‌دهد و در لابه‌لای رودخانه گل‌آلود تاریخ آری از گذشتگان را با خود به همراه می‌آورد. اما آنچه در خور توجه است این است که این اسرار به زبان سحرآمیز موسیقی به نسل‌های بعد از خود منتقل شوند که شناخت و بررسی آن زبان سحرآمیز نیاز به اندیشه‌های زیرک و دردان در حوادث تاریخ و موسیقی دارد. جایگاه تولید و باز تولید موسیقی از بقی اندیشه اجتماعی ممکن می‌شود و از آنجا که اندیشه‌های اجتماعی در

این گفتار مطالبی درباره‌ی رابطه زبان و موسیقی از زوایای گوناگون مطرح  
شد. هدف این نوشته این است که پاره‌ای از نکات علمی که به موضوع  
شناختی و موسیقی پرداخته‌اند، ارائه دهیم تا شاید از پرتو آن نظریات،  
لغجه جدی فراروی موسیقی‌شناسان و زبان‌دانان ایرانی قرار دهیم که آیا زبان  
سی در فرآیند تکوین و یا تدوین آوازه‌ها و یا دستگاه‌های موسیقی ایرانی نقش  
تفاوته است یا نه. تردیدی نیست که ساختار عروض و مترهای اشعار فارسی با  
رتبندی‌های آوازی در موسیقی ایرانی گره خورده و از سوی دیگر زبان  
فارسی هم به مثابه اهرمی، بخش صوتی موسیقی آوازی ایرانی را در خود فرو  
برد. ارتباط تنگاتنگ آواز و عروض و مترهای شعر از یک سو و کاربرد  
شناسی زبان فارسی از سوی دیگر خود موجب طرح پرسش‌های بنیادی  
درباره‌ی رابطه زبان و موسیقی آوازی ایرانی می‌شود. در خور یادآوری است که  
نقش فارسی در صورت‌بندی ساختارهای اجرایی دستگاه‌ها نداشته و این  
معنی است که ساختارهای اجرایی خود مستقل از دستور و زبان فارسی از سر  
آهای دیگر سامان گرفته و راه تکاملی خود را طی کرده است. سرمنشأ  
ساختارهای اجرایی ایرانی به کلی بر ما نامعلوم است. مطالعات تاریخی هم در این  
بینه کم‌تر راهی را به جایی می‌برند. در اینجا هم ما در صدد طرح پرسش آن  
تیم. یادآوری این نکته هم در خدمت این موضوع است که سرفصل رابطه زبان

تکاملی، مراحل پیدایش و استکمال یک موسیقی را در گذر زمان بررسی  
نظریه‌ی اشاعی نفوذ و مهاجرت موسیقی را از سرزمینی به سرزمین دیگر  
می‌کند. تا زمانی که موسیقی‌شناسی با مردم‌شناسی دوش به دوش در یک  
به تحقیقات موسیقی‌شناسانه‌می پرداختند، نگاه این دو رشته به موسیقی  
نگاه مشترکی بود. رفته رفته از سال‌های ۱۹۵۰، موسیقی‌شناسی قومی  
شیوه تحقیقاتی خود را به عنوان رشته‌ای مستقل اعلام کرد. مردم‌شناسی،  
را از دیدگاه مردم‌شناسانه و موسیقی‌شناسی و از جنبه موسیقی‌شناسی  
بررسی می‌کرد. در این مطالعات تأکید موسیقی‌شناسان بر عنصر صوت  
و ساختارهای اجرایی آن بود در حالی که از دیدگاه مردم‌شناسان،  
پدیده پیچیده اجتماعی است که آن را از زاویه رفتار و روابط  
انسان‌های سازنده آن مطالعه می‌کردند. ریشه‌ی موسیقی‌شناسی قومی، به  
۱۸۸۰ در آلمان بازمی‌گردد که بعد از چندین دهه در آمریکا با  
شناسی درآمیخته شد و رشته موسیقی‌شناسی قومی را به وجود آورد. در این  
گروهی از موسیقی‌شناسان، بر موسیقی به عنوان پدیده‌ای مجرد تحقیق  
و گروه دیگر به دنبال کشف سرمنشأ موسیقی به عنوان یک پدیده فرهنگی  
ریخ اقوام بودند. تعدادی از دانشمندان عنصر اصلی پیدایش موسیقی را در  
گوش و زبان انسان جست‌وجو می‌کردند و دسته‌ای دیگر موضوع روانی

سوع نظریه یا مقوله نگرش از «درون و بیرون» بحثی است که هنوز هم در میان ادی از موسیقی شناسان قومی وجود دارد. عناوین نگرش از «درون و بیرون» را «ک و اتیک» می‌گویند. ریشه دو مقوله «امیک» (نگرش از درون) و «اتیک» (نگرش از بیرون) از انتهای دو واژه «فونمیک» و «فونتیک» از علم زبان‌شناسی گرفته شده‌اند. عنوان «اتیک» از پایان واژه «فون اتیک» و «امیک» از پایان واژه «ن امیک» برداشته شده‌اند. در زبان‌شناسی مفهوم «فونمیک» به بخش‌های تکی (فونم‌ها) مرتبط می‌شود که تشخیص معانی و کاربرد آن را فقط گویندگان صاحبان آن زبان می‌دانند. در مقابل / فونتیک علم اصوات زبان است که تحقیق ساخت آن از جانب محققان بیگانه قابل تشخیص می‌باشد. از این روی، در شناختی، آنچه که مورد حصول و دسترسی بیگانگان و زبان‌شناسان خارجی به اصطلاح به آن «نگرش از بیرون» می‌گویند و آنچه را که در دسترس حبان و گویندگان زبان باشد به اصطلاح به آن «نگرش از درون» می‌گویند. این مفهوم را مردم‌شناسان از زبان‌شناسی به عاریت گرفته و در عین حال «نگرش از درون» را ذهنی‌گرایی و «نگرش از بیرون» را عینی‌گرایی تلقی می‌کند. اساس این ریشه بر این پایه است که کار پژوهشگران غربی (آمریکایی و اروپایی) در رشته موسیقی‌شناسی قومی، بر کار پژوهشگران «شرقی» (غیرآمریکایی و اروپایی) برتری دارد و از نظرگاه تحقیقات علمی و عملی هم شایستگی برتری را از خود

کانوگرافی و آیکانولوژی هر دو واژه‌های یونانی هستند که به مطالعه تصاویر  
ها، سکه‌ها، نقاشی‌ها، کنده کاری‌های باستانی که نشانه‌هایی از تاریخ و هنر و  
سنگ را در خود دارند، بازمی‌گردد. آیکانوگرافی در موسیقی‌شناسی هم همین  
ریف و شرایط را دارد. از این جهت مطالعه اشیاء و یا آثار هنری که نشانه‌ای از  
بدات هنر موسیقی در آن باشد، زیر همین رشته آیکانوگرافی موسیقی  
تفصیلی می‌شوند. آیکانوگرافی موسیقی به عقیده‌ی مورخین موسیقی بیشتر  
گیر شناخت تصاویر یا به طور کلی اشیاء عینی است که برای تحقیق  
موسیقی‌شناسی به کار می‌آیند. موضوع مطالعه این فن با آوانگاری یا صفحات  
موسیقی و یا سازهای موسیقایی ارتباطی ندارد. نهایتاً هدف آیکانوگرافی  
موسیقی مطالعه تصاویر و اسنادی است که به نحوی نشانه‌ای از موسیقی را در خود  
دارد. واژه آیکانوگرافی موسیقی را اولین بار وینترنیس در سال ۱۹۶۱ برای  
بحث عناصر موسیقی از یک پدیده هنری به کار گرفت. او در مقاله‌ای با عنوان  
برهای عینی به مثابه منبعی برای تاریخ موسیقی‌شناسان» به این موضوع اشاره  
د.

واژه‌های آیکانوگرافی و آیکانولوژی (Iconography/Iconology) از دیدگاه

---

1- "The Visual Arts a Source for the Historian of Music" 1961  
International Musicological Society, New York".



نوشته مدخلی است بر تاریخ فرهنگ موسیقی ایرانی که روش تاریخ نگارانه یک خط مستقیم تاریخی را از گذشته به حال طی نمی کند. نگاهی که به مراحل سیتی شناسانه از دیدگاه تاریخ نگاری در اینجا ارائه شده، هم سیر زمان های آن هم ارائه موضوعات آن، در هم ریخته شده اند که گاه از گذشته ای به گذشته گر و گاه از زمان حالی به زمان حال دیگر در سرزمین دیگر ارجاع شده است. لایه لای سیر این مطالب و نگاه های تاریخی، خطی که برجسته می شود مسیر رگونی مدارج هسته های اولیه موسیقی های قومی و موسیقی دستگاهی ایرانی است که لاینقطع خط های مشخصی را در تاریخ فرهنگ ایران اشغال کرده اند. این خل نگاهی است کلی که توضیح جزئیات آن در جای خود خواهد آمد. در جا به دو قلمرو جغرافیایی فرهنگی در گذر تاریخ توجه شده است. یکی قلمرو بیت فرهنگ موسیقی در گستره شهرها است که خود باعث رشد و پیدایش سیتی دستگاهی ایرانی شده و دیگر قلمرو ذهنیت فرهنگ روستاهای ایران است که آن هم خود گهواره های متعددی برای بالندگی های موسیقی اقوام ایرانی است. مطالعه وحدت و استقلال و از سوی دیگر تعارض و تنیدگی های این دو هنگ و این دو موسیقی در یکدیگر، یکی از مباحث پیچیده فرهنگ شناسی سیتی ایرانی است.

فرهنگ ایرانی حاصل اندیشیدگی های ایرانیان در فراگرد تاریخ اجتماعی